

زندگی پر ماجرای زنان محمدرضا پهلوی

فرح

زهره شیشه چی - علی اصغر طاهری



پخش بین المللی کتاب راونیز

کد پستی- ایران- تهران ۱۴۱۷۳-۱۱۶۶۶

۰۹۳۶۲۵۸۴۴۱۰ ۰۹۱۹۳۰۹۹۹۶۳۰۰۹۱۲۷۰۰۸۶۰۹

ایمیل: ravniz_publish@yahoo.com

نام کتاب: زندگی پر ماجرای زنان محمدرضا پهلوی - فرح

- نویسنده: زهره شیشه چی-علی اصغر طاهری
- مشاور طرح: پخش راونیز
- لیتوگرافی: رایید گرافیک
- چاپ اول: ۱۳۹۳
- قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۸-۶۷-۹

سرشناسه	:	شیشه چی، زهره، طاهری علی اصغر
عنوان و نام پدیدآور	:	زندگی پر ماجرای زنان محمدرضا پهلوی: فرح / زهره شیشه چی، علی اصغر طاهری،
مشخصات نشر	:	مشهد: انتشارات داریوش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۳۲۰ص: مصور،
شابک	:	978-600-6398-67-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	فرح پهلوی، همسر محمدرضا پهلوی شاه ایران، ۱۳۱۷ -
موضوع	:	محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۹.
موضوع	:	محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۹. -- زنان
موضوع	:	ملکه ها -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	:	زنان درباری -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
شناسه افزوده	:	طاهری، علی اصغر،
رده بندی کنگره	:	۹DSR ۱۳۹۳ ۱۵۰۷ش ۴۱/
رده بندی دیویی	:	۰۸۲۴۰۹۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۵۰۶۱۲۳

* راونیز یکی از شهرهای دوره هخامنشی در استان خراسان شمالی است.

فهرست مطالب :

۹	پیشگفتار
۱۳	به جای مقدمه
۱۹	خانواده محمدرضا پهلوی
۵۷	زندگی محمدرضا پهلوی
۶۴	خاطرات حسین فردوست
۸۱	زن در زندگی محمدرضا پهلوی
۸۷	معشوقه ها و زنان غیر رسمی محمدرضا
۱۱۳	روانشناسی شخصیت محمدرضا پهلوی
۱۱۷	فرح
۱۲۹	ازدواج
۱۳۵	زندگی مشترک
۱۴۵	تاجگذاری فرح
۱۴۹	فرح بعد تاجگذاری
۱۵۳	سفرهای فرح
۱۵۹	فرح بعد انقلاب
۱۷۹	فساد جنسی فرح
۱۹۳	خیانت های فرح
۲۰۱	تصاویر
۲۴۱	منابع

پیشگفتار:

سهراب دیبا پدر فرح دیبا استوار ارتش بود و اهل تبریز متولد محله ششکلان تبریز و پدر بزرگ و مادر بزرگ فرح از مهاجران باکو بودند. فریده قطبی (دیبا) مادر فرح اهل رشت بود و قبل از ازدواج شاگرد خیاط خانه بود. او در سال ۱۳۱۶ با سهراب دیبا ازدواج می کند و مدتی بعد فرح متولد می شود. زندگی مشترک آنها ۵ سال و نیم بیش طول نکشید و پدر فرح بر اثر ابتلا به سرطان معده درگذشت درحالیکه فرح چهار سال بیش نداشت. فریده دیبا پس از فوت شوهرش به دلیل فقر مالی به رشت می رود و در کنار مادر شوهرش زندگی می کند و فرح را برای تحصیل به تهران نزد برادرش محمد علی قطبی می فرستد. زمان اشغال ایران توسط نیروهای متفقین مادر شوهر فریده دیبا درگذشت و او مدتی صیغه مردی به نام رحیم آقای ایپیکچی بود. ایپیکچی در تبریز بازرگانی سرشناس بود و از قضا غیر از همسر اصلی خود، چندین و چند زن صیغه ای دیگر هم داشت و مدت این زندگی دو سال طول کشید. پس از آن فریده دیبا به تهران نزد برادر خود می رود.

محمد علی قطبی کار ساختمانی می کرد و با وجود درآمد کم، مخارج زندگی همسر خود لوئیز بختیاری، فریده دیبا، پسرش رضا و فرح دیبا را تأمین می کرد. فرح همراه پسردایی اش رضا قطبی به مدرسه فرانسوی زبان ژاندارک فرستاده شد. قطبی پسر خود را برای تحصیل به پاریس فرستاد و بعد فرح هم برای تحصیل به پاریس رفت و در دانشکده هنرهای زیبا Beaux Arts به تحصیل پرداخت. ولی قطبی از عهده هزینه او برنمی آمد.

فرح در فرانسه تمایلات چپی پیدا کرد و با کریم پاشا بهادری و لیلی ارجمند که افکار کمونیستی داشتند آشنا شد. رضا قطبی نیز به حزب توده و کنفدراسیون دانشجویی که کمونیست بودند پیوست و فعالیت های کمونیستی و ضد حکومت شاه را شروع کرد. فرح و رضا و دیگر دوستان کمونیستشان در تظاهرات دانشجویی علیه شاه در فرانسه شرکت می کردند. فرح پس از مدتی تصمیم به ازدواج با کریم پاشا بهادری می گیرد. در این زمان آنها با هم در یک جا زندگی می کردند و با دوستانشان در پاریس جشن نامزدی هم گرفته بودند.

در آن دوره انگلیسی ها سازماندهی مخالفین شاه را تحت عنوان اندیشه چپگرایی و کمونیستی، کنفدراسیون دانشجویی در کشورهای اروپایی و آمریکایی هماهنگ می کرد و اردشیر زاهدی نیز از طرف انگلیس تحت عنوان کمک به دانشجویان از خزانه مملکت بودجه اعضای کنفدراسیون دانشجویی را تأمین می کرد.

احسان طبری از رهبران حزب توده بعدها در کتاب «گزراهِ» خود نوشت: فرح در حوزه های حزب توده در پاریس حضور می یافت. دوستان او نیز همه گرایش های کمونیستی داشتند و پسر دایی فرح، رضا قطبی که او هم در پاریس تحصیل می کرد به گرایش های چپ کمونیستی پیوسته بود. تشکیلات امنیتی در ایران که توسط انگلیسی ها هدایت می شد درباره سابقه فعالیت های سیاسی فرح یا افکار و معتقدات او و دوستان چپی او سخنی به شاه نگفتند و اردشیر زاهدی نیز به دلیل اینکه رابط این کار و انگلوفیل بود در این مورد سخنی به میان نیاورد زیرا

شاه معتقد بود که افکار کمونیستی، میکروبی است که وقتی وارد جسم کسی شد به آسانی و با قوی ترین آنتی بیوتیک ها هم از میان نمی رود و بصورت یک بیماری مزمن در وجود انسان باقی می ماند. به همین دلیل بود که این افکار در وجود فرح نیز باقی ماند و عده ای از دوستان چپگرا و اعضای کنفدراسیون دانشجویی زمان تحصیل او نیز با استفاده از موقعیت جدید وی وارد خدمت دربار شدند. یکی از نزدیک ترین دوستان زمان تحصیل فرح، لیلی امیر ارجمند بود و همچنین پاشا بهادری که در پاریس با فرح زندگی می کرد رئیس دفتر فرح می شود. فردوست می نویسد: «ساواک بعدها به فعالیت های لیلی امیر ارجمند و شوهرش که استاد بخش فیزیک اتمی دانشگاه تهران بود و در روزنامه اطلاعات هم سمتی داشت، مشکوک شد و گزارش هایی درباره اشاعه افکار کمونیستی از طرف آنها به شاه داد ولی فرح محمد رضا پهلوی را توجیه کرده بود که اشاعه بخشی از مطالب مارکسیستی به نفع سلطنت اوست. در دوران فرح با حمایت دفتر او تفکرات کمونیستی و آته ئیستی (لانیسته) رواج داده می شد و روشنفکران مارکسیست مانند فیروز شیروانلو جذب دفتر فرح می شدند و یا در نهادهایی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تحت حمایت او قرار می گرفتند ...».

در این زمان اردشیر زاهدی از طرف انگلیس مسئول حمایت از کنفدراسیون دانشجویی بود (کنفدراسیون دانشجویان کمونیست و توده ای توسط انگلیس در سال ۱۳۳۹ در اروپا و یک سال بعد در آمریکا تشکیل شد و شعبات آن در سراسر اروپا و آمریکا دایر گردید و بدون اطلاع شاه و هماهنگی همه مزدوران انگلیسی در

دستگاه امور خارجه و اطلاعات و امنیت بودجه آنان از طرف سازمان امور دانشجویی و وزارت امور خارجه به عنوان کمک به دانشجویان خارج تأمین می شد).

فرح از فرط امتیصال برای کمک مالی به سراغ اردشیر زاهدی در حصارک می رود تا بتواند در پاریس تحصیل و زندگی کند. در حصارک ویلایی بود که اردشیر زاهدی با تعدادی از رفقای جوان او منتظر شکار دخترها و زنها می نشستند و هر مراجعه کننده از جنس مؤنث که مورد پسند زاهدی واقع می شد با او دوست می شد و اگر مورد پسند زاهدی نبود او را به یکی از رفقایش تقدیم می کرد. این بود کار و شغل زاهدی و البته به دوستان انگلیسی و آمریکایی اش هم چیزی می رسید.

حال این دختر، فرح دیبا از چنین وضعی برای درخواست پول به سراغ زاهدی در حصارک می رود. پس از آن فرح به کمک زاهدی وارد سیستم جاسوسی انگلیس و کا. گ. ب می شود (بعد از انقلاب روسیه که توسط لنین فراماسون و با کمک انگلیس انجام شد، کا. گ. ب توسط انتلیجنس سرویس به وجود آمد).

زمانی که شاه به پاریس آمد، زاهدی که وسایل رفاهی شاه را در سفر او به پاریس هماهنگ می کرد در شب اقامت شاه در پاریس، ملاقاتی را با فرح دیبا (۲۱ ساله) ترتیب می دهد و فردای آن روز شاه عاشق فرح می شود. شاه در مراجعتش به ایران از اردشیر زاهدی می خواهد تا ترتیبی دهد که فرح به ایران بیاید و در کاخ او را ملاقات کند. اردشیر زاهدی ابتدا فرح را به همسر خود شهناز معرفی می

کند و به بهانه بررسی مشکلات دانشجویان ایرانی در فرانسه و خواست شاه برای حل مشکلات آنها سعی می شود که در این ملاقات به طور تصادفی شاه هم حضور داشته باشد و بعد شاه ابراز نماید که کم کم از فرح خوشش آمده است. یک هفته بعد از این ملاقات در منزل زاهدی، شاه به فرح پیشنهاد ازدواج می دهد. شاه در خاطرات خود در کتاب مأموریت برای وطنم می نویسد: «دوشیزه فرح تصمیم داشت که لباس عروسی خود را در پاریس (از مارک کریستین دیور) تهیه نماید و برای گریز از تشریفات مفصل قرار شد به طور غیر رسمی و معمولی به آنجا برود و تا بازگشت وی از اعلام نامزدی خودداری شود. فرح به اتفاق عمو و همسر عمو و همسر دایی خود به پاریس عزیمت نمود. دو روز بعد از مراجعت فرح به تهران نامزدی ما اعلام شد و تقریباً سه هفته بعد مراسم عقد ما طبق آئین و مراسم اسلامی بعد از ظهر دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۳۸ برگزار و در همان شب مجلس شام و ضیافت باشکوهی در کاخ گلستان منعقد گردید ...»

فرح همسر شاه شد و یکباره وضع این خانواده فقیر دگرگون شد. تولد ولیعهد در نهم آبان ماه ۱۳۳۹ جای پای فرح را در کنار شاه محکم و سیر فزونی قدرت را برای او هموار نمود. فرح در اسفند ماه سال ۱۳۴۱ دومین فرزند خود را (فرحناز) و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۵ سومین فرزند خود (علیرضا) را به دنیا آورد و رفته رفته موقعیت خود را در دربار استوارتر ساخت.